

فائقه فیاض،

پی. ایچ. ڈی اسکالر،

یونیورسٹی آف کشمیر۔

معرفی اجمالی خمسه نویسی

در ادبیات فارسی

(از نظامی تا جامی)

خمسه واژه عربی است که در لغت معنی اش 'پنج' است۔ خمسه در اصطلاح ادبیات فارسی مجموعه پنج مثنویها را گویند که يك جا از يك شاعر سروده شده باشد و عناوین مختلف دارد۔ خمسه سرایی عبارت است از آن که شاعری پنج منظومه مثنوی بلند یا کوتاه داستانی را در قالبها و معانی متفاوت و اوزان عروض مختلف، به نظم آورد۔

خمسه مجموعه ای است مرکب از پنج کتاب (مثنوی) که به همین دلیل آن را خمسه خوانده اند و در زمانه گذشته آن را پنج گنج نامیده اند۔ باید متذکر شویم که مؤجد خمسه نویسی در ادبیات فارسی نظامی گنجوی در میان بیت های خمسه خود جایی که به کتاب خود اشاره می کند۔ آن را به اسم گنجینه می خواند۔ ابیات زیر به همین مناسبت این جا نقل می شود۔۔

وز خاصه خویشتن در اینکار گنجینه فدا کنم بخروار

گر کردن این عمل صوابست شیرین تر از این سخن جوابست ۱۔

خمسه سرایی عبارت است از آن که شاعری پنج منظومه مثنوی بلند یا کوتاه داستانی و مستقل را در قالب ها، معانی متفاوت و اوزان عروض مختلف، به نظم آورد۔ نخستین بار حکیم نظامی گنجوی (م۔ ۵۹۹۔ ق۔) خمسه سرایی را در ادب فارسی آغاز کرد۔ او

که استاد مثنوی روایی و داستانی غنایی است، با آفریدن پنج گنج یا
خمسه خویش سر مشقی مهم و کامل برای داستان سرایی بزمی و غنایی
فراهم آورد که از عهد خود شاعر به این سو، نه تنها در ایران، بلکه در
تمام قلمروی زبان فارسی و ادب اسلامی مورد توجه و تقلید و تتبع
بسیاری از شاعران فرار گرفت. شاعران، از گنجه تا کشور کشمیر به
نهایت افتخاری به دنباله روی و اقتفای او رفتند و از آنها برخی يك یا
چند مثنوی و بعضی تمام خمسه که دارای پنج، هفت یا هشت مثنوی را
به نام و موضوعاتی در ادبیات فارسی هم مانند یا متفاوت، به پیروی از
وی پدید آوردند.

خمسه نویسی یا پنج گنج نویسی به زبان فارسی سابقه ی بیش از هشت
صد و پنجاه سال دارد. اولین کسی که در این طرف توجه خود را جلب
نمود، نظامی (۵۳۵-۵۹۵ ق) از شهر گنجه از حوالی آذربایجان ۲-
بوده است. او در حدود سال ۵۷۰ ق. خمسه نویسی را آغاز نمود.
خمسه نظامی:

حکیم ابو محمد الیاس بن یوسف بن زکی بن مؤید نظامی از شاعران
بزرگ داستان سرایی ایران، که در ادبیات جهانی، با اثر سترگ که روی
هم خمسه نامیده می شود، شهرت یافته است که به طرز مثنوی
است. نظامی در ۵۳۵ ق. در گنجه متولد شد و بیشتر عمر در وطن
خود صرف کرده و مسافرت مهمی ننمود و تنها يك بار سفر کوتاهی که به
دعوت قزل ارسلان (۵۸۱-۵۸۷ ق.) به یکی از نواحی نزد گنجه کرده
و در همان شهر بین سالها ۵۹۹ تا ۶۰۲ ق. در گذشت. به این نقطه در
مثنوی مخزن الاسرار این طور اشاره کرده است:-

گنجه گره کرده گریبان من بی گرهی گنج عراق آن من
بانگ بر آورد جهان کای غلام گنجه کدامست و نظامی کدام
شکر که این نامه به عنوان رسید پیشتر از عمر بی پایان رسید ۳-

در عصر نظامی دوره ضعف سلجوقی، اتابکان هم، که سرپرستی شاهزادگان صغیر را به عهده داشتند، موفق به تشکیل دولتهای محلی داشتند. تذکره نویسان وی را معاصر اتابکان آذربایجان (۵۳۱-۵۶۲۲-ق.) دانسته اند، زیرا از آثار ثبت شده است که وی زمان پادشاهی این سلسله خصوصاً محمد جهان پهلوان (۵۶۸-۵۸۱-۵-ق.)، قزل ارسلان عثمان (۵۸۱-۵۸۷-۵-ق.) و نصره الدین ابوبکر (۵۸۷-۶۰۷-۵-ق.) را دیده است.

در دوره نظامی شروانشاهان (۱۸۳-۵۹۴۵-ق) هم با سلجوقیان روابط بر شروان و مرز آن حکومت می کردند. نظامی لیلی مجنون را به حکم یکی این پادشاهان این سلسله یعنی اخستان بن منوچهر (۵۵۶-۵۵۶۶-ق.)، به طرز مثنوی سروده شده است.

چنانچه از ابیات آن بر میآید که بعضی سلاطین را دوست داشتند و در پاداش وی بی توجهی نکردند هیچ گاه در مدح وی مبالغه ننمود و برای حس گرفتن حکمرانان شعر نه ساخت. خصوصاً در اواخر عمر گوشی نشینی بازهد و وزلت اختیار کرده و این امر او را از وابستگی به دربارهای سلاطین دور کرده است. چنانکه در مثنوی خسرو شیرین فرموده اند:

منم روی از جهان بر گوشه کرده کفی پست جوین ره توشه کرده ۴-
در ستایش کلام خود فرموده است:

اگر چه در سخن آب حیات است بود جایز هر آنچه از ممکنات است
چو ببتوان راستی را قدم کم گشت کسی کوراستگو شد محتشم گشت
چو صبح صادق آمد راست گفتار جهان در زد گرفتن محتشم داره.

آثار نظامی در زمان حیات خود او، در دنیای شرق حسن قبول داشت. آنچه موجب شهرت نظامی شده، کتاب خمسه یا پنج گنج اوست که به طرز مثنوی در پنج بحر در حدود ۲۸۰۰۰ بیت سروده شده

است. نخستین مثنویِ **خمسۀ نظامی مخزن الاسرار** است که در زمینة زهد و تقوی و مقامات معنوی سروده شده است؛ و چهار مثنوی های دیگر یعنی **خسرو شیرین؛ لیلی مجنون؛ هفت پیکر و اسکندر نامه** در قصه های عاشقانه و حکایت قدیم سروده شده است. در بارۀ ترتیب **خمسۀ** از آثار وی این طور ظاهر شده است:-

سوی مخزن آوردم اول بسیج	که سستی نکردم در آن کار هیچ
وزو چرب و شیرینی انگیختم	بشیرین و خسرو در آویختم
وز آنجاسرا پرده بیرون زدم	در عشق لیلی و مجنون زدم
وزین قصه چون باز پرداختم	سوی هفت پیکر فرس تاختم
کنون بر بساط سخن پروردی	ز نیم کوس اقبال اسکندری
سخن رانم از فرو فرهنگ او	بر افرازم اکلیل و اورنگ او ۶-

اما در باب موضوع و تاریخ تألیف پنج گنج به طوری که از ابیات **خمسۀ** به دست می آید بدین قرار است:

۱) **مثنوی مخزن الاسرار**: مثنوی اول و مهم **خمسۀ نظامی مخزن الاسرار** است که مشتمل بر دو هزار و چهار صد بیت است. این مثنوی مشتمل بر بیست داستان منظوم که در مناجات، نعت، زهد و تقوی و مقامات عرفانی در بحر سریع، تحت تأثی **حديقة الحقیقه سنایی (م- ۵۵۳۵-ق-)** سروده شده است.

نظامی در این مورد به کتاب خود **مخزن الاسرار** می گوید:

نامه دو آمد ز دو ناموس گاه هر دو مسجل بدو بهرام شاه
 آن زری از کان کهن ریخته وین دری از بحر نوه انگیخته
 آن بدر آورده ز غزنی علم وین زده بر سکه رومی رقم
 گرچه در آن سکه سخن چون زدست سکه ز زین از آن بهتر است ۷-

۷- **نظامی مخزن الاسرار** را به نام **فخر الدین بهرام شاه بن (۵۵۰-۵۶۱۰-ق-)** حکمران اتابکان آذربایجان ساخته و برای وی تحفه

فرستاده است. چنانکه در همان مثنوی خود در مدح او گفته است:

شاه فلک تاج سلیمان نگین مفخر آفاق ملک فخر دین
 نشبت داروی او کرده چیست بر شرفش نام سلیمان درست
 رایت اسحاق از و عالیست ضدش اگر هست سماعیلیست
 یگدله شش جهته و هفت گاه نقطه نه دایره بهرام شاه
 خاص کن ملک جهان بر عموم هم ملک ارمن و هم شاه روم ۸-

یکی از صفات خاص و محسنات برجسته مخزن الاسرار این است که مضامین و حکایات آن بدیع است و پیش از نظامی دیگری آن مضامین حکیمانه و حکایت را به نظم نیاورده است، چنانکه خود نیز در آن مثنوی می گوید:

عاریت کس نیز گرفته ام آنچه دلم گفت بگو، گفته ام
 شعبده ای تازه بع انگیختم هیکی از غالب نوریختم ۹-

(۲) **مثنوی خسرو شیرین:** مثنوی دوم خمسة نظامی خسرو شیرین است که مشتمل بر هفت هزار و هفت صد بیت است. این مثنوی در بحر هزج مسدس مخذوف سروده شده است. این مثنوی نظامی به نام طغرل بن ارسلان (۵۷۳-۵۹۰ ق.)، شمس الدین ابو جعفر محمد بن ایلدگز جهان پهلوان (۵۶۷-۵۷۲ ق.) و قزل ارسلان ایلدگز برادر جهان پهلوان (۵۸۲-۵۸۸ ق.) از اتابکان آذربایجان کرده. سروده اند:

طراز آفرین بستم قلم را زدم بر نام شهنشاه درم را
 سرو سر خیل شاهان شاه آفاق چو ابرو با سری هم جفت و هم طاق
 ملک اعظم اتابک داور دور که افکند از جهان آوازه جور
 ابو جعفر محمد کز سر جود خراسان گیر خواهد شد چو مسعود ۱۰-

در ستایش کلام خود در این مثنوی این طور گفته است:

به عشقی در که شصت آمد پسندش سخن گفتن نیامد سود مندش
 نگفتم هر چه دانا گفت از آغاز که فرخ نیست گفتن گفته را باز

در آن جزوی که ماند از عشقبازی سخن راندم چو تیغ مدغازی ۱۱-
 این مثنوی در سال ۵۵۸۶ ق- به اتمام رسید- چنانکه گوید:-
 گذشت از پانصد و هفتاد و شش سال نزد بر خط خوبان کس چنین فال
 چو دانستم که دارد هر دیاری ز مهر من عروسی در کناری ۱۲-
(۳) مثنوی لیلی مجنون: سومین مثنوی نظامی لیلی و مجنون است که
 منظومه ای است حاوی قریب ۵۱۰۰ بیت دارد- این مثنوی در بحر هزج
 مسدس احراب مقبوض سروده شده است- این مثنوی شرح معاشقات
 قیس بن عامر عاشق معروف عرب ملقب مجنون است با معشوقه او به نام
 لیلی محسوب می شود- این مثنوی مشتمل بر ۴۰۰۰ بیت این طور آغاز
 می کند:

ای نام تو بهترین سر آغاز بی نام تو نامه کی کنم باز
 ای یاد تو مونس روانم جز نام تو نیست بر زبانم
 چو دانستم که دارد هر دیاری ز مهر من عروسی در کناری ۱۳-
 نظامی این مثنوی را به فرمان شروان شاه ابوالمظفر اخستان بن
 منوچهر نظم کرده- چنانچه خود می نویسد:-

لیلی مجنون ببایدت گفت تا گوهر قیمتی شود جفت
 این نامه نغز گفته بهتر طاووس جوانه خفته بهتر
 خاصه ملکی چو شاه شروان شروان چه که شهر یار ایران
 این نامه بناه از تو درخواست بنشین و طراز نامه کن راست
 گفتم سخن تو هست بر جای ای آینه روی آهین رای
 تاج ملکان ابو المظفر زبندۀ تخت هفت کشور
 شروانشه آفتاب سایه کی خسرو کی قباد پایه
 شاه سخن اخستان که نامش مهریست که مهر شد غلامش
 بهرام نژاد امشتری چه در صدف ملک منوچهر ۱۴-
(۴) مثنوی بهرام نامه: چهارمین مثنوی نظامی که به نام هفت پیکریا

هفت گنبد نیز خوانده می شود - این منظومه به وزن مخبون مقصور از بحر خفیف سروده شده است - این را که نیز از قصه های ایرانی مربوط به عهد ساسانیان است - این مثنوی به نام علاء الدین تکش (۵۶۹-۵۹۶ ق-) که پنجمین پادشاه سلسله خوارزمشاهی است که حکومت و امارت مراغه را داشته است در مقدمه و نیز انجام منظوم آورده است :

عمده مملکت علاء الدین حافظ و ناصر زمان و زمین
 شاه کرب ارسلان کشور گیر به زالب ارسلان بتاج و سریر
 مهدی کافتاب این مهد است دولتش ختم آخرین عهد است
 رستمی کز فلک سواری رخس هم بزرگ است و هم بزرگی بخش
 نسل آقسنقری مؤید از و اب وجد با کمال ابجد از او ۱۵ -
 هفت پیکر مرکب از ۵۰۰۰ بیت و در سال ۵۹۳ ق - سروده شده
 است - می نویسد -

ای فلک بر در تو حلقه بگوش هم خطا پوش و هم خطائی پوش
 چون مرا دولت تو یاری کرد طبع بین تا چه چجر کاری کرد
 از پس پانصد و نود و سه بر آن گفتم این نامه را چون ناموران
 روز بر چار ده ز ماه صیام چار ساعت ز روز رفته تمام
 باد بر تو مبارک این پیوند تانشینی بر این سریر بلند
 نوشی آب حیات از این ابیات زنده مانی چو خضر از آب حیات ۱۶ -
(۵ مثنوی اسکندر نامه: آخرین مثنوی از خمسه نظامی اسکندر نامه
است - این اثر که به دو بخش شرفنامه و اقبال نامه (خرد نامه) تقسیم
شده است - در بخش اولین این کتاب اسکندر را به عنوان فاتحه ای
بزرگ و در دوم وی را به نام حکیم و پیامبر گفته است -
آغاز این مثنوی از این ابیات است:
خدایا جهان پادشاهی تراست ز ما خدمت آید خدائی تراست

پناه بلند و پستی توئی همه نیستند آنچه هستی توئی ۱۷-
این مثنوی را در سال ۵۵۹۷ ق- به نام نصره الدین ابوبکر بن محمد
جهان پهلوان (۵۵۸۷ ق- ۵۶۰۷ ق-) از اتابکان آذربایجان سروده
است-

طرفدار مغرب به مردانگی قدر خان مشرق به فرزانی
جهان پهلوان نصره الدین که هست بر اعدای خود چون فلک چیره دست
خداوند شمشیر و تخت و کلاه سه نوبت زن پنج نوبت پناه ۱۸-
در ستایش کلام خود در کلام خود این طور می نویسد:

گر این نامه را من به زرگفتمی بعمری کجا گوهری سفتمی
همانا که عشقم بر این کار داشت چو من کم زنان عشق بسیار داشت
مرا درد توفیق گفتن خدائی ترا باد تأیید و فرهنگ و رای
جهان پیش خورد جوانیت باد فزرون از همه ز نگانیت باد ۱۹-
در دوره مغولان (۶۱۶-۵۷۸۲ ق-) و تیموریان (۷۱۱-۵۹۱۱ ق-) ادبیات
فارسی نیز قابل توجه داشت و حامی شعر و ادب فارسی موجود بوده
اند- در این دوره قصیده محدود می شد و به همان وجه غزلهای عرفانی
و عاشقانه جای آن را گرفت- هم چنین منظومه های داستانی، عرفانی
، اجتماعی و حکایت یا قصه کوتاه معمول گردید- داستانهای منظوم
بالخصوص به پیروی نظامی شاعر مشهور این دوره خمره سروده و از
مشهورترین مقلدان نظامی در این دوره امیر خسرو، خواجه کرمانی و
جامی رامی توان ذکر کنیم-

آثار نظامی در زندگی وی، در سراسر دنیای شرق حسن قبول و آوازه ای
همگانی داشت- از سالهای آغاز سده هفتم هجری این اثر بی همانند
نظامی از شاعران بی شمار شرق میانه و نزدیک بارها تقلید یا استقبال
نظیره سازی شده است- در بیشتر تاریخها و تذکره های معتبر این ذکر
آمده است که نخستین "خمره" بر اساس آثار نظامی را امیر خسرو

دهلوی در سده هفتم هجری در هند سروده است. امیر خسرو دهلوی از خمسه‌ی نظامی به مثابه‌ی اثر ادبی که در دنیای ادب مثل و مانند ندارد. و به این طریق، خسرو شاگرد ه بودن از نظامی، فخر می‌کند. امیر احمد اشرفی که ویرایش نگار خمسه‌ی امیر خسرو دهلوی در مقدمه‌ی این کتاب می‌نویسد:

”مهارتی که نظامی گنجوی در تنظیم و ترتیب منظومه‌های خود بکار برده باعث شده است که آثار او مورد تقلید شاعران بعد از او قرار گیرد و اولین بار امیر خسرو دهلوی پیروی از نظامی را آغاز کرد و خمسه خویش را به تقلید از او سرود“ ۲۰-

خمسه‌ی امیر خسرو:

امیر یمین الدین خسرو بن سیف الدین محمود معروف به امیر خسرو دهلوی در سال ۶۸۱ هـ.ق. در پتالی چشم به جهان گشود. پدر وی سیف الدین محمود از مردم ترکستان بوده و در حمله‌ی مغول به هند مهاجرت نمود. او ترک نژاد و هندی زاده بود. در شعر خود کلمات بسیار هندوی و ترکی را به کار برده است. خود نیز به تحصیل علوم و فنون پرداخت و در زبان و ادبیات فارسی تبحر کامل پیدا کرد. وی در حلقه‌ی یکی از بزرگ‌ترین و مشهورترین مشایخ و عارفان دواران خود شیخ نظام الدین اولیاء (م. ۷۲۵ هـ.ق.) ۲۱- منسلک گردید و خسرو وی را گرامی داشتند. خسرو برای پیر خود احترام خاصی داشته حتی که پس از مرگ مرشد خود، فقط شش ماه بعد در ۷۲۵ هـ.ق. جهان را درود گفت و نزد آرامگاه پیر و مرشد خود در دهلی (هند) به خاک سپرده شد.

خمسه‌ی امیر خسرو که بر اساس موضوع مثنوی‌های نظامی نوشته شده یکی از نوادر آثار ادبی شرق به شمار می‌رود. امیر خسرو دهلوی بزرگترین نماینده ادبیات فارسی هند و نخستین ادامه دهنده مکتب ادبی حکیم نظامی گنجوی می‌باشد. خمسه امیر خسرو مرکب از سه

داستان، "شیرین خسرو"، "مجنون لیلی" و "هشت بهشت" که داستان عاشقانه مربوط به بهرام گور است و دو مثنوی "مطلع الانوار" و "آینه اسکندری" که به ترتیب تقلیدهای خمسۀ نظامی این پنج مثنوی است: (۱) **مطلع الانوار**: اولین مثنوی خمسۀ امیر خسرو مطلع الانوار است که در جواب مخزن الاسرار نظامی سروده شده است که دارای ۳۳۱۰ بیت است و شاعر آن را در سال ۶۹۸ هـ.ق. فقط در مدت دو هفته تمام کرده است. ابیات زیر که درباره علل سرودن این مثنوی گفته شده است، این جا نقل می شود.

من کنم آنچه از دلم آمد بکسب باقی الا تمام علی الله فحسب
 شکر خدا را که ز فضل خدای گشت مرتب چو بهشت این سرای
 بیست خزینۀ است درو پرز گنج بیست خزینۀ ز صد و بیست و پنج
 و رهمه بیت آوری اندر شمار سیصد و ده بر شمر سه هزار
 از اثر اختر گردون خرام شد بدو هفت این مه کامل تمام
 سال که از چرخ کهن گشت بود از پس شش صد نود و هشت بود
 چرخ که خورشید جنابش نبشت مطلع الانوار خطابش نبشت ۲۲.
 (۲) شیرین خسرو: این مثنوی خسرو که باز به تقلید خسرو شیرین نظامی سروده شده است. این مثنوی را پس از پایان دادن مثنوی مطلع الانوار در همان سال به اتمام رسانیده است. این مثنوی دارای ۴۱۲۰ بیت است.

نخست از پرده این صبح نشورم نمود از مطلع الانوار نورم
 پس از کلکم چکید این شربت نو که نامش کرده ام شیرین خسرو
 در آغاز رجب شد فرخ این فال ز هجرت شش صد و هشت و نود سال
 و گر پرسی که بیتش را عدد چیست چهار الف و چهارست و صد و بیست ۲۳.
 (۳) **مجنون لیلی**: این مثنوی دارای ۲۶۶۰ بیت در مقابل لیلی مجنون نظامی در همان سال یعنی ۶۹۸ هـ.ق. سروده شده است. درباره ختم

این نامه خودش فرموده است -

از شکر خدا خوش کنم کام که آغاز صحیفه شد با نجام
نامش که غیب شد مسجل همچون لیلی بعکس اول
تاریخ ز هجرت آنچ به گذشت سالش نودست و ششصد و هشت
بیتش بشمار راستی هست جمله دو هزار و ششصد و شصت و ۲۴ -
(۴) **آئینه اسکندری**: خسرو این مثنوی نیز در جواب اسکندر نامه نظامی
است - این مثنوی دارای ۴۴۵۰ بیت در سال ۵۶۹۹ - ق - به پایان
رسانیده است - درباره مثنوی خود گفته است -

مرا این نامه را ز اتفاق صواب شد آئینه‌های سکندر خطاب
گر آری همه بیتش اندر عدد چهار الف و پنجه شد و چهار صد
در این دم که پایان این پیکر است ز تاریخ هفتصد یکی کم تر است ۲۵ -
(۵) **هشت بهشت**: این مثنوی در تقلید و جواب هفت پیکر نظامی،
دارای ۳۳۴۴ بیت است - این مثنوی آخرین مثنوی پنج گنج
است - درباره این نامه که در سال ۵۷۰۱ - ق - به اتمام رسانیده، سروده
شده است -

خانه خاك او عبیر سرشت خانه های دگر درو چو بهشت
همه بیتش بگاہ عرض شمار سه هزار است و سیصد و چل و چار
سال هجرت یکی و هفتصد بود که این بنا بُرد سر به چرخ کبود ۲۶ -
خسرو پنج گنج خودش را فقط در سه (۳) سال به اتمام رسیده است - در
آخرین مثنوی این خمسه می فرموده اند:

شکر حق را که از خزاین غیب ریخت چندان جواهرم در جیب
که از آن نقد قیمتی بسه سال کردم این پنج گنج مالا مال
در هر گنج کش فرو بستم کیمیای دگر در و بستم ۲۷ -
بعد از **امیر خسرو** در همین دوره یکی از شاعران بزرگ دیگر که به کار
خمسه پرداخت **خواجو کرمانی** است -

خواجو کرمانی

ابوالعطاء کمال الدین محمود بن علی بن محمود متخلص به خواجو که در سال ۵۶۸۹- ق در کرمان متولد شده و به سال ۵۷۵۳- ق- در شیراز وفات یافت. وی همانجا کسب فضایل کرده و پس از کسب علوم متداول زمانه به سیر و سیاحت می پردازد. و پس از سیر و سیاحت در شهرهای مهم ایران، تبریز، عرب و پس از زیارت کعبه به بغداد باز می گردد. در این سفر با علماء و مشایخ عصر محصور گشت. خواجو در انواع اصناف سخن چیره دست بود که برای او حافظ شیرازی سروده است:

استاد سخن سعدی است پیش همه کس اقا

دارد سخن حافظ طرز روش خواجو ۲۸-

گذشته از دیوان اشعار و رساله ها، به پیروی خمسه نظامی گنجوی خمسه ای سروده است، آنها به ذیل قرار است:

۱) **همای و همایون**: اوّلین مثنوی از خمسه خواجو که بر وزن اسکندر نامه نظامی است. این مثنوی را در سی سالگی آغاز کرد و دارای ۴۴۳۵ است. -

که اکنون ز دور سپهری که گشت

سه ده سال از عمر من در گذشت ۲۹-

تاریخ این مثنوی به حساب ابجد از کلمه "بذل" (۵۷۳۲- ق-) به دست می آید:-

من این تحفه زان عالم آورده ام

در آن عالم این میوه پرورده ام

من این خوشه در لامکان چیده ام

مکان دل از لامکان دیده ام-----

من این نامور نامه از بهر نام
چو کردم به فال همایون تمام
کنم بذل بر هر که دارد هوس
که تاریخ این نامه بذل است و بس ۳۰-

۲) **گل ونوروز:** این مثنوی در بین مثنوی های خواجه از زیبایی خاصی
بر خوردار است و این داستان عشقی بر وزن خسرو شیرین نظامی سروده
شده است. این مثنوی به سال ۵۷۴۲-ق. انجام یافته، می گوید:-

دوشش بر هفت صدوسی گشته افزون
بپایان آمد این نظم همایون
چو ایات دلکش را به خوانی
گرت باید که اعدادش بدانی
غلام خویش را با سرو گلشن
مکرر کن که گردد بر تو روشن ---
نینند نظم در شیرین کلامی
چو خواجه هیچ شاگرد نظامی ۳۱-

۳) **روضه الانوار:** این مثنوی عرفانی است که در جواب مخزن الاسرار
نظامی سروده شده مشتمل بر ۲۲۲۴ بیت است و به سال ۵۷۴۳-ق.
انجام یافته چنانکه در آغاز مثنوی می گوید:-

زینت الروضة فه فی الاول بسم الله صمد مفضل
شد چمن طبع ترنم سرای روضه الانوار به نام خدایی ۳۲-
این مثنوی در بیست مقاله و حکایت عرفانی، دینی و اخلاقی دارد و
درباره نظامی می نویسد:-

گر چه سخن پرور نامی توئی
معتقد نظم نظامی توئی
در گذر از مخزن الاسرار او

برگذرد از جدول پرگار او
 خازن مخزن دل دانای تست
 در کشف مهر آینه رای تست ۳۳-

۴) کمال نامه : این مثنوی خواجو بر وزن هفت پیکر نظامی که دوازده
 باب دارد و به سال ۵۷۴۴-ق. تمام شده و آغاز این است:
 بسم من لا اله الا الهو
 صنع لفظی وزین معناه
 قادری کومنز هست از غیب
 صانعی کومقدست از ریب ۳۴-

در باره نام و تاریخ این مثنوی در خاتمه کتاب می گوید:
 چون به چشم کمال در من دید
 خار نقصان ز دامنم بر چید
 نام نظم کمال نامه نهاد
 از کما آیتم دری بگشاد-----
 شد به تاریخ هفتصد و چل و چار
 کار این نقش و زری چون نگار ۳۵-

۵) گوهر نامه : این مثنوی در جواب خسرو شیرین نظامی بر موضوع
 اخلاق و تصوف دارای است. این مثنوی با این ابیات آغاز می شود-
 بنام نام بخش نامداران
 گدای در گه او شهر یاران
 بر افرا زنده ایوان زرکار
 که خار از خاره آرد خیری از خار ۳۶-

این مثنوی در شب جمعه ۱۵ تیر ماه برابر با ۵ ربیع الاول سال ۵۷۴۶-ق
 به اتمام رسید ، خودش می گوید:-
 چو کردم عزم آن کان طایر راز

به گلزار کتابت خوانمش باز
به نی گفتم که برشکر نویسم
دگر گفتم که بر گوهر نویسم--
شب آدینه بود و روز برجیس
سعود آسمان ناظر به تدریس
مه تیر و زمه یک نیم رفته
زهجرت ذال و واو و میم رفته ۳۷-

پس از خسرو و خواجو، جامی پرکارترین مثنوی سرای ایران در دوره
نهم هجری است که مثنویات هفت اورنگ می سازد-

مولانا جامی

عماد الدین یا نور الدین ابو البرکات عبد الرحمن بن نظام الدین احمد
بن شمش الدین محمّد حنفی جامی از شاعران و نویسندگان فاضل
خراسان ۳۸- در قرن نهم هجری بوده است- نام پدرش نظام الدین
دشتی و جدش شمش الدین دشتی منسوب به محله دشت اصفهان بوده
بعد ولایت جام مهاجرت کرده اند- وی از دودمان و ابساط امام محمّد
شیبانی (م- ۵۱۸۹- ق-) است که یکی از شاگردان امام ابی حنیفه نعمان
بن ثابت فارسی (م- ۵۱۵۰- ق) بوده است- جامی در سال ۵۸۱۷- ق-
در خرجرد جام متولد شد- چون مولدش ولایت جام است تخلص جامی
هم به مناسبت ولایت جام است و نیز نسبت به شیخ الاسلام احمد
جامی (۵۵۳۶- ق-) که استاد معنوی اش و بانی سلسله نقشبندیه بوده، به
همین مناسبت تخلص خود جامی اختیار نمود- در همان زمان به
تحصیل علوم متداول زمان مشغول بود، مجذوب طریقه ی تصوف شد و
نزد معروف ترین دانشمندان زمان، تحصیل علم کرد بعد از آن در جوانی
شاعری آغاز کرده بود-

عبد الرحمن جامی نه تنها یکی از شاعران بزرگ ایران به شمار می رود بلکه او خاتم شاعران ایران نیز دانسته می شود زیرا که پس از او شاعری به آن بزرگی و کمال نیامده است، و به حق به "خاتمة الشعراء" لقب یافته است. جامی ده ها کتاب و رساله از نظم و نثر به زبانهای فارسی و عربی به یادگار گذاشته است. آثار منظوم جامی که وی را ردیف گویندگان بزرگ ایران در آورده در دو مجموعه ی بزرگ فراهم آمده است. در میان آثار منظوم وی یکی دیوان اشعارش (-دیوانهایی سه گانه) است که محتوی بر قصاید، غزلیات، مراثی، ترجیع بند، ترکیب بند، مثنویات و رباعیات است. قصاید جامی در توحید، نعت پیامبر اسلام ﷺ، وصحابه، اهل بیت و نیز مطالب عرفانی و اخلاقی است. اما هفت اورنگ جامی که از زبده ترین آثار جامی تشکیل می شود که شامل این مثنویهاست:

۱- (اورنگ اول) سلسله الذهب: مثنوی است طولانی به بحر خفیف در ذکر حقایق عرفانی که از سه دفتر فراهم آمده و در سال ۵۸۹۰-ق. تألیف شده است. در این مثنوی اصول عقاید اسلامی و مذهب اشعری را به درخواست فرزند خواجه عبید الله احرار که از مشایخ نقشبند است. این مثنوی را به نام سلطان حسین بایقرا (۵۸۷۲-ق. -۵۹۱۲-ق.) کرده. مطلع دیباچه این مثنوی این طور است:

لله الحمد قبل كل كلام
 بصفات الجلال والاکرام
 حمد او تاج تارك سخن است
 صدر هر نامه نو و کهن است
 خامه چون تاج نامه آراید
 دره التاج نام او شاید
 الله الله چه طرفه نام است این

ورد دل حرز جان تمام است این ۳۹-

۲- (اورنگ دوم) مثنوی سلمان و ابسال : به بحر رمل مسدس مخذوف یا مقصور حاوی اشارات عرفانی و اخلاقی همراه با حکایتها و تمثیلهای که در سال ۵۸۸۵-ق- نظم آورده است- این مثنوی را به نام امیر یعقوب ترکمان آق قونیلو (م- ۵۸۸۳-ق) کرده- اشخاص این داستان عبارت اند از پادشاه یونان و مرد حکیم که معلم اوست و پسر او موسوم به "سلمان" و دایه خوبروی او به نام "ابسال" - در اختتام این مثنوی در باره سلمان و ابسال این طور فرموده است:

زادهٔ پس پاک دامن آمدست
نام او ز آنرا و سلمان آمدست
کیست ابسال این تن شهوت پرست
زیر احکام طبیعت گشته پست
تن بجان ز ندست جان از تن مدام
گیرد از ادراک محسوسات کام
هر دو آنرو و اشق یکد یگرند
جز بحق از صحبت هم نگذرند
چیست آن دریا که دروی بوده اند
و زوصال هم در آن آسوده اند ۴۰-

۳- (اورنگ سوم) تحفة الاحرار: منظومه ای است به بحر سریع در وعظ و تربیت همراه با حکایتها و تمثیل های بسیار در بیست مقاله که به سال ۵۸۸۶-ق- به نظم آمده و شامل ۱۷۱۰ بیت است- این مثنوی را به نام خواجه ناصر الدین عیید الله نقشبندی (م، ۵۸۹۵-ق-) شیخ سلوک آن عصر معروف به خواجه احرار بود نظم کرده - در پایان این مثنوی گفته:

شکر که این رشته پایان رسید
بخیه این خرجه بدامان رسید
مهر نه خاتمه این کتاب
شد رقم خاتم تم الكتاب

”اتمام انتظام این سبحة در ماه تسیح و شهر تراویح منتظم در سلک
شهور سنه ست وثمانین و ثمان همة اتفاق افتاد.“ ۴۱-
جامی این مثنوی را از مناجات حق سبحانه و تعالی آغاز کرده است:

ای صفت خاص تو واجب بذات
بسته بتو سلسله ممکنات
گر نرسد قافله بر قافله
فیص تو در هم درد این سلسله
کون و مکان شاهد جود تواند
حجت اثبات وجود تواند
دایر چرخ دمار از تو یاف
مرحله خاک قرار از تو یافت ۴۲-

۴- (اورنگ چهارم) سبحة الابرار: منظومه ای است در یکی از اوزان بحر
رمل در ذکر مقامات سلوک، تربیت و تهذیب که شاعر آن را در چهل عقد
تنظیم کرده و هر عقد با شرح یکی از فضایل نفسانی آمیخته به حکایتهای
نغز شروع می شود و به مناجات حق تعالی ختم گردد. این مثنوی را در
سال ۸۸۲ هـ ق. به نام سلطان حسین بایقرا (۸۷۲-۹۱۱ هـ ق.) کرده است.
خاتمه این مثنوی این طور نصیحت فرموده است:

جامی ای کرده بساط عمر طی
در خیال شعر بوند تابکی
همچو خامه چند باشی خامکار
در سواد شعر پیچی نامه وار

موی تو شد در سیاه کاری سفید
رو سفیدی این هنر کم دار امید -
عالم از فیض نوالش تازه شد
نوبت عدلش بلند آرازه شد
هر دمش جاه و جلال تازه باد
مدت ملکش برون ز اندازه باد ۴۳ -

۵ - (اورنگ پنجم) یوسف و زلیخا: به بحر هزج مسدس مقصور یا محذوف،
در ذکر داستان یوسف و زلیخا، چنان که مشهور است جای این منظومه
ی عالی داستان عشقیه را در سال ۵۸۸۸ - ق - برای نظیره سازی بر خسرو
شیرین نظامی و از روی سوره یوسف زلیخا که احسن القصص به نظم
آمده است - در آغاز سبب نظم این کتاب فرموده است:

دل فارغ ز درد عشق دل نیست
تن بی درد دل جز آب و گل نیست
ز عالم روی آور در غم و عشق
که باشد عالمی خوش ولم عشق
غم عشق از دل کش کم مبادا
دل بی عشق در عالم مبادا
گلك سر گشته از سودای عشقت
جهان پر فتنه از غوغای عشقت ۴۴ -

۶ - (اورنگ هشتم) لیلی و مجنون: که در سال ۵۸۸۹ - ق - به یکی از اوزان
بحر هزج یعنی بر وزن لیلی و مجنون نظامی به پیروی از آن سروده
است - اصل این داستان عشقی از نازی به پارسی ترجمه شده است - لیلی
دختر مهدی بن سعد عامری بود و مجنون و عاشق او که نامش قیس بن
ملوح بنمزا حم عامری است پسر عمومی لیلی بوده است -

ای خاک تو تاج سر بلندان

مجنون تو عقل هوشمندان
محجوب ترا نهاد لیلی
مکشوف ترا سها سهیلی
خورشید ز تست روشنی گیر
بی روشنی تو چشمه قیره ۴۵-

۷- (اورنگ هفتم) خرد نامه اسکندری: خردنامه اسکندری به بحر
متقارب، در ذکر حکم و مواعظ از زبان فیلسوفان یونان که هر یک را به
عنوان خردنامه نامیده است، در استقبال مثنوی سکندر نامه از نظامی
سروده است. جامی در این مثنوی پیش از خطبه درر توحید، نعت پیغمبر
و بیان معراج به اصل موضوع پردازد ق از نصایح گفتگومی کند که به نام
ارسطو، افلاطون، سقراط، فیثاغورث و حکمای دیگر به اسکندر داده
شده است و گفتگوهای فیلسوفانه بین اسکندرو کسان دیگر را به نظم
آورده و تعزیت نامه ارسطو به مادر اسکندر ختم می کند.

الهی کمال آلهی تراست
جمال جهان پادشاهی تراست
جمال تو از وسع بینش برون
کمال از حد آفرینش برون
بلندی و پستی نخواهم ترا
مقید باینها ندانم ترا
نه تنها بلندی و پسته تویی
که هستی ده و هست تویی. - ۴۶-

چنانکه از ملاحظه مثنویهای فوق هم میتوان استنباط کرد. جامی بیشتر
نظامی را تتبع کرده و سبک او را پیروی نموده. جز این که در صورت
عمومی توان گفت جامی ساده تر و گاهی شیرین تر از نظامی سخن
سرائی کرده. با این که محقق است استاد نظامی در مثنوی داستانی

هنر و ریختا و در بیان احساسات بی همتا است.

منابع و ماخذ:

۱- نظامی گنجوی، حکیم ابو الیاس، کلیات خمسه حکیم نظامی گنجه ای؛ انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۴۴ هـ. ش. باب: لیلی مجنون، ص ۵۰۷

۲- آذربایجان: دکتر محمّد معین در فرهنگ معین در جلد پنجم می نویسد: ایالتی از ایران واقع در شمال غربی این کشور، و آن از شمال و شمال مشرقی به مرز ایران و شوروی (در: رود ارس)، از مغرب به مرز ایران و ترکیه، از مشرق ببحر خزر محدود است، و آن نجدیست تا هموار و دارای قلل آتشفشانی مانند سبلان و سهند، و در مرکز آن حوضه وسیع نسبتی پستی است که دریاچه ارومیه (رضائیه) در آن قرار دارد. آب و هوای آذربایجان در شمال و شرق سرد و برفی، در مغرب و مرکز معتدل و در جنوب حوضه دریاچه گرم و مرطوب است. باران سالیانه به ۵۰ سانتیمتر می رسد. امرازه این ناحیه به دو بخش آذربایجان شرقی (۵-م) و آذربایجان غربی (۵-م) تقسیم گردیده

۳- کلیات حکیم نظامی گنجوی، ص ۱۱۸

۴- همان: ص ۱۳۰

۵- همان: ص ۱۴۲

۶- همان: ص ۸۷۶

۷- همان: ص ۲۹-۳۰

۸- همان: ص ۲۶-۲۷

۹- همان: ص ۲۹

۱۰- همان: ص ۱۳۲-۱۳۳

۱۱- همان: ص ۱۴۳

- ۱۲- همان: ص ۴۱۳
- ۱۳- همان: ص ۴۲۶
- ۱۴- همان: ص ۴۴۳
- ۱۵- همان: ص ۶۱۲
- ۱۶- همان: ص ۷۳۶
- ۱۷- همان: ص ۷۳۷
- ۱۸- همان: ص ۸۶۶
- ۱۹- همان: ص ۱۱۶۲
- ۲۰- خسرو، امیر یمن الدین: "خمسة امير خسرو دهلوی"، به کوشش امیر احمد اشرفی؛ انتشارات مؤسسه شقایق، خیابان جمهوری کوچک حمام وزیر، تهران، ۱۳۶۲ هـ. ش. - ج ۱، ص: ۱۰ (مقدمه)
- ۲۱- حضرت شیخ نظام الدین اولیاء نام اصلی محمد بن احمد بن علی دهلوی (۶۲۳-۵۷۲۵ هـ. ق.) معروف به شاه نظام الدین اولیاء، شیخ نظام الدین اولیاء، شاه نظام اولیاء، نظام دهلوی از مشایخ قرن هشتم هجری و اعظم عرفای هند و مزرگان طریقت چشتیه است. او چهارمین جانشین معنوی خواجه معین الدین چشتی بود.
- ۲۲- خمسه امی خسرو دهلوی از امیر احمد اشرفی: ص ۱۴۱.
- ۲۳- همان: ص ۲۴۱-۲۴۲.
- ۲۴- همان: ص ۴۵۴.
- ۲۵- همان: ص ۵۷۲.
- ۲۶- همان: ص ۶۹۷.
- ۲۷- همان: ص ۶۹۹.
- ۲۸- حافظ شیرازی، شمس الدین محمد: "دیوان حافظ"، به کوشش: هاشم رضی، انتشارات مؤسسه کاوه، ۱۳۴۱ هـ. ش. - مقدمه، ص ۷۲
- ۲۹- خواجو کرمانی، ابو العطاء، کمال الدین محمود: "خمسه خواجو

کرمانی، به کوشش سعید نیاز کرمانی، انتشارات مؤسسه دانشکده
ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، مهرماه ۱۳۷۰
۵-ش. چاپ اول، ص ۲۸۲

۳۰- همان: ۴۶۰

۳۱- همان: ص ۷۱۴

۳۲- همان: ص ۱

۳۳- همان: ص ۱۷

۳۴- همان: ص ۱۰۱

۳۵- همان: ص ۱۹۶-۱۹۷

۳۶- همان: ص ۲۰۱

۳۷- همان: ص ۲۵۴

۳۸- خراسان سرزمینی است که غرب از دامغان و سبزوار آغاز می شود و
در شرق تا بلخ و رود جیحون و از جنوب تا شمال سیستان و غزنی و از
شمال به بخارا می رسد.

۳۹- مولانا جامی- نور الدین عبد الرحمن: هفت اورنگ جامی، به
کوشش آقای مرتضی مدرس گیلانی، انتشارات مؤسسه کتابفروشی های
تهرتان و شهرستان ها، ۱۳۶۸، ج: پنجم، ص ۱

۴۰- همان: ص ۳۶۳

۴۱- همان: مقدمه، ص ۴۴۳

۴۲- همان: ص ۳۷۲

۴۳- همان: ص ۵۸۵-۵۸۶

۴۴- همان: ص ۵۹۳

۴۵- همان: ص ۷۸۰

۴۶- همان: ص ۹۱۲

☆☆☆